



چریکهای فدایی خلق ایران: درباره تبلیغات جنگی اخیر!

به دنبال انتشار قطعنامه "شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی" در مورد وجود قرائنی مبنی بر مقاصد نظامی در فعالیتهای اتمی رژیم جمهوری اسلامی، و تأکیدات دوباره مقامات آمریکایی بر وجود تمام "گزینه‌ها" و منجمله "راهل نظامی" در برخورد با این رژیم، در روزهای اخیر، ما شاهد بالا گرفتن موج جدیدی از تبلیغات جنگی از سوی بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده‌ایم. تبلیغاتی که نگرانی به‌حق توده‌های تحت‌ستم ما را نسبت به وقوع جنگ و تشدید مصایب زندگی آنان برانگیخته است. صرف‌نظر از اینکه تا چه حد احتمال وقوع جنگ در لحظه مشخص کنونی وجود دارد، باید متذکر شد که این اولین بار نیست که شبح تهدید حمله نظامی آمریکا و شرکا در سالهای اخیر در جامعه تحت سلطه ما پدیدار شده است. همه به یاد دارند که در زمان ریاست‌جمهوری جورج بوش در آمریکا نیز، این دولت، در پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا و کوبیدن بر طبل جنگ و تمایل به راهل‌های نظامی به منظور گسترش سلطه و حضور نظامی مستقیم در مناطق استراتژیک دنیا، برای مدتی از احتمال اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی و تغییر این رژیم دم می‌زد ولی این اظهارنظرها به دلیل مصالح و منافع آن دولت، در سطح تبلیغات باقی ماند. اتفاقاً مدت زمانی نه چندان طولانی پس از همه آن هیاهوهای دولتمداران آمریکا، در شرایط جدیدی، یعنی در مقطع وقوع خیزش میلیونی توده‌های تحت‌ستم ما علیه جمهوری اسلامی، مردم ما شاهد بودند که درست برعکس آن اظهارنظرها، دولتمداران آمریکا از هیچ کوششی برای حفظ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مقابل مردمی که با خیزش خود زمین را در زیر پای مرتجعین به لرزه درآورده بودند، دریغ نورزیدند.

در چنین اوضاع و احوالی است که افزایش تبلیغات جنگی اخیر، به موجی از موضع‌گیریهای انحرافی و ارتجاعی توسط نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در مورد "جنگ" منجر شده است. در حالی که گروهی از افراد و نیروها تحت تاثیر این تبلیغات، بی‌شرمانه به تبلیغ برای دخالت نظامی امپریالیستها زیر نام "کمک" به منظور برافکندن رژیم وابسته جمهوری

اسلامی به دست دولت آمریکا و شرکا پرداخته‌اند، و اخذ کمک‌های امپریالیستی را "مشروع" جلوه می‌دهند، در مقابل، افراد و جریان‌های سیاسی دیگری نیز هستند که در برخورد با تبلیغات جنگی جاری با تظاهر به "مخالفت" با دخالت‌گری امپریالیستی، در واقع در جبهه جمهوری اسلامی ضدخلفی، برای تداوم بقای حاکمیت این رژیم تبهکار و سرکوبگر بر حیات و هستی توده‌های ما سینه چاک می‌دهند.

جدا از این مساله که آیا اساساً تبلیغات جنگی امپریالیسم آمریکا پیش‌درآمدی برای تجاوز نظامی این امپریالیسم به ایران می‌باشد یا نه؛ (امری که بررسی آن در جای خود حائز اهمیت فراوانی است) آنچه که از سوی نیروهای آزادیخواه و مبارز باید مورد توجه قرار گیرد، افشای مواضع خطرناک و ارتجاعی هر دو گروه فوق‌الذکر است که در معادلات و تخصیصات میان راهزنان و دزدان به‌جای در نظر گرفتن منافع توده‌ها، خدمت به منافع دشمنان آنها را سیاست خود قرار داده‌اند.

واقعیت این است که دموکراسی و آزادی، این خواست دموکراتیک و به‌حق کارگران و توده‌های محروم کشور ما، نه با حمله نظامی امپریالیستها و مداخله و "کمک" آنها متحقق می‌شود و نه با تداوم حاکمیت سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و یا هیچیک از دارودسته‌های درونی آن. مرتجعینی که برای حمله نظامی امپریالیستهای جهان‌خوار به ایران و یا اخذ "کمک" از آنها سینه می‌زنند، دارودسته‌های جیره‌خوار و یا رسوایی بیش نیستند که نظیر عراق و افغانستان و لیبی، خواهان تبدیل ایران در زیر چکمه‌های سربازان آمریکایی به جهنمی دیگر برای توده‌ها می‌باشند. از سوی دیگر، تبهکاران و منحرفینی نیز که با استناد به "خطر جنگ"، فریبکارانه ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را توجیه می‌نمایند، تحت چنین پوششی به تبلیغ برای دفاع از حاکمیت و بقای این دشمن قسم‌خورده توده‌ها برخاسته‌اند. این نیروها در واقع خواهان تداوم شرایط اسارت‌باری بر حیات و هستی کارگران و توده‌های تحت‌ستم ما هستند که در ۳۲ سال گذشته تسمه از گرده آنها کشیده است.

چریک‌های فدایی خلق در شرایط حساس کنونی یکبار دیگر بر این واقعیت تاکید می‌کنند که دشمن اصلی مردم ما همانا حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است و جمهوری اسلامی نیز به مثابه یکی از اشکال حاکمیت این نظام در طول ۳۲ سال اخیر وظیفه حراست و تحکیم آن را از سوی قدرتهای

امپریالیستی بر عهده داشته و در این راه از حمایت همه‌جانبه آنها برخوردار بوده است. در نتیجه اگر امروز در چارچوب منافع استراتژیک امپریالیستها در منطقه خاورمیانه، حتی سیاست حضور مستقیم نظامی، و تعویض این رژیم در دستور کار قدرتهای امپریالیستی قرار گیرد، این تحول هویت مستقلی به جمهوری اسلامی نمی‌بخشد و به‌هیچوجه به معنی ماهیت غیروابسته این رژیم ضدخلقى نمی‌باشد بلکه تنها بیانگر آن است که امپریالیستها همانطور که بارها نشان داده‌اند (در موارد مشابهی نظیر تعویض رژیم‌های وابسته شاه، حکومت بعث عراق، لیبی و غیره) حاضرند برای تأمین منافع استراتژیک خویش حتی بهترین نوکران و خدمتگزاران خود را فدا کنند. آنچه که در اوضاع و احوال کنونی باید به افق دید توده‌های مبارز و به‌جان‌آمده ما تبدیل گردد عبارت از این حقیقت است که بدون مبارزه برای نابودی این نظام ضدخلقى و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی به دست توانای کارگران و توده‌های زحمتکش در جریان یک انقلاب دمکراتیک توده‌ای، هیچگونه امکانی برای تحقق دمکراسی و آزادی و اعمال حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان موجود نخواهد بود. در نتیجه بکوشیم با افشای همزمان مرتجعین مشاطه‌گر مداخله مستقیم امپریالیستها و مدافعان حیات رژیم داروشکنجه جمهوری اسلامی با استفاده از تبلیغات ضد جنگ، با شعارهایی چون نابود باد سلطه امپریالیسم! نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب!؛ کوشش‌گر تحقق چنین راه سترگ و ظفرنمونی باشیم.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
مرگ بر جنگ امپریالیستی!
پیروز باد انقلاب!
زنده باد کمونیسم!
چریکهای فدایی خلق ایران
۲ آذر ماه ۲۰۱۱